

Journal of Imamiyyah Studies

Vol. 9, No. 18, March 2024, 31-56

(DOI) 10.22034/JIS.2023.320925.1762

Imam al-Sajjād's Method and Practice of Moral Education

Enayat Sharifi¹, Ali Farsi Madan², Rahman Bolhasani³

(Received on: 2023-5-10; Accepted on: 2023-12-4)

Abstract

One dimension of Imam al-Sajjād's lifestyle is his approach to training and education. This research employs a descriptive and analytical method to explore the Imam's techniques in morally educating individuals. It seeks to address a fundamental question: What were Imam al-Sajjād's methods and practices in moral education, and how did he go about morally training individuals? Our study delves into the Imam's approach to moral training in three aspects: cognitive, attitudinal and emotive, and practical. In this moral educational style, the primary cognitive methods encompass elucidating the worldview and establishing moral values, enhancing the trainee's awareness of moral doctrines, recounting moral stories, and addressing deviated sects. The emotive and attitudinal methods employed by the Imam in moral education involve kindness and affection, honoring the trainee's character, observing their moods, providing encouragement and admonishment, engaging in preaching, and offering role models. Finally, the principal practical methods of Imam al-Sajjād in moral training include the purification of the soul, promoting what is right and discouraging what is wrong, expressing grief through weeping and mourning, and establishing religious seminaries.

Keywords: Imam al-Sajjād, moral training, educational method.

1 Associate professor, Department of Islamic Teachings, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: enayat.sharifi@yahoo.com

2 Assistant professor, Department of Comparative Law and Fiqh, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: a.farsi@urd.ac.ir.

3 Assistant professor, Department of Sufism and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: r.bolhasani@urd.ac.ir

سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی

عنایت شریفی^۱، علی فارسی مدان^۲، رحمان بوالحسنی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۳]

چکیده

یکی از ابعاد سبک زندگی امام سجاده (ع)، سبک تربیتی آن حضرت است. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی سبک تربیتی امام (ع) را در تربیت اخلاقی افراد جامعه بررسی کند و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه چگونه بوده است و از چه روش‌هایی در تربیت اخلاقی افراد استفاده کرده است. نگارندگان کوشیده‌اند سبک و سیره امام (ع) در تربیت اخلاقی افراد و متریبان را در سه بُعد شناختی، گرایشی و عاطفی و عملی بررسی کنند. تبیین جهان بینی و بنیان ارزش‌های اخلاقی، پرورش آگاهی و آشنا کردن متریبی با آموزه‌های اخلاقی، بیان داستان‌های اخلاقی و مواجهه با فرقه‌های انحرافی از روش‌های مهم شناختی در سبک تربیتی اخلاقی افراد جامعه است. محبت و مهرورزی، تکریم شخصیت، رعایت مقتضای حال، تشویق و تنبیه، موعظه و الگودهی از روش‌های مهم عاطفی و گرایشی آن حضرت (ع) در تربیت اخلاقی است. تزکیه نفس، امر به معروف و نهی از منکر، گریه و عزاداری و تشکیل حوزه‌های علمی نیز از روش‌های مهم تربیتی در سبک تربیت اخلاقی امام سجاده (ع) است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاده (ع)، تربیت اخلاقی، سبک تربیتی

۱. دانشیار گروه معارف دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران enayat.sharifi@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) a.farsi@urd.ac.ir

۳. استادیار گروه تصوف و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران r.bolhasani@urd.ac.ir

مقدمه

امام سجاده (ع) در دوره زندگی خود با مشکلات فراوان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو بود. فضای سیاسی دوره آن حضرت مصادف با یکی از ادوار سیاه در تاریخ اسلام بود که با زمامداران اموی چون یزید بن معاویه (۶۱-۶۴ق)، عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳ق)، معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴)، مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ق)، ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ق) معاصر بوده است (ر.ک: پیشوایی، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۵). امامت حضرت (ع) بیشترین همزمانی را، به مدت ۲۱ سال، با دوران خلافت عبدالملک بن مروان داشته است. عبدالملک در مدت حکومت طولانی خود چنان با ظلم و فساد و بیدادگری خو گرفت که نور ایمان در دلش به کلی خاموش شد (مسعودی، ۱۳۸۲: ۹۱/۳؛ پیشوایی، ۱۳۷۹: ۲۴۲). امام در دوران خود با قیام خونین عاشورا، قیام توابین، قیام مختار، واقعه حره و پیدایش فرقه‌های جبریه و نیز اباحه‌گری روبه‌رو بود و مردم از نظر فرهنگی و مبانی دینی تهی شده و به خوشگذرانی و فساد روی آورده بودند. از سویی نیز عالمان درباری شریعت حاکم را رواج می‌دادند، ولی امام (ع) با این همه شرایط سخت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توانست در تربیت اخلاقی افراد جامعه موفق باشد و جلوی انحرافات را بگیرد.

پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی، روش‌های تربیت اخلاقی امام سجاده (ع) را بررسی کند. از آنجا که نگارندگان بر این باورند که روش‌های تربیتی را می‌توان به روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد، این پژوهش به سؤالات ذیل پاسخ خواهد داد: ۱. روش‌های شناختی در سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه کدام‌اند؟ ۲. روش‌های گرایش و عاطفی در سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه کدام‌اند؟ ۳. روش‌های رفتاری در سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه کدام‌اند؟

اندیشمندان علوم اسلامی، به دلیل اهمیت بسیار مسئله، تلاش‌های فراوانی کرده و آثار فراوانی را درباره ابعاد شخصی و زندگی امام سجاده (ع) به نگارش درآورده‌اند، از جمله کتاب روش‌های تربیت عبادی در قرآن و صحیفه سجاده اثر میترا اعوانی، کتاب سبک زندگی در صحیفه سجاده اثر علی‌رضا بیرجندی، کتاب امام سجاده (ع) و آموزش انسانی اثر دکتر عبدالله احمد الیوسف، کتاب امام سجاده (ع)، نور زندگی اثر حبیب‌الله احمدی و مقالات «تبیین سیره تربیتی امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده با تأکید بر سند تحول آموزش و پرورش» اثر فرامرز محمدپور در مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی (شماره ۴۲)، «سبک زندگی در آموزه‌های امام سجاده (ع) بر اساس روش‌های کاربردی انحراف‌زدا و فضیلت‌افزا» اثر مهدی ایزدی در مجله دین و ارتباطات (شماره ۵۴، دوره ۲۵)، «تربیت از دیدگاه امام سجاده (ع)» اثر علی‌همت بناری در مجله فرهنگ کوثر (۱۳۷۷، شماره ۱۸)، «سبک و سیره عملی امام سجاده (ع) در برابر انحرافات فکری، بررسی موردی آسیب‌های توحیدی» اثر محمد محمودپور در مجله سیره‌پژوهی اهل بیت (ع) (۱۳۹۷). با این حال به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این آثار سبک و سیره امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه را بررسی نکرده‌اند و این مقاله اولین اثری است که این موضوع را با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام (ع) مطالعه کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تربیت اخلاقی

اصطلاح تربیت اخلاقی از دو کلمه تربیت و اخلاق تشکیل شده است. تربیت از ریشه ربو یا ربب گرفته شده است. لغت‌دانان در اینکه کدام ریشه اصلی و کدام فرعی است، اختلاف نظر دارند. اگر تربیت از ریشه ربو باشد، به معنای رشد، نمو و فزونی است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۸۳؛

ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۱۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۳/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۷۴/۱). اگر تربیت از این ریشه گرفته شده باشد، بیشتر به پرورش جسمانی و مادی مربوط است، اما اگر از ریشه رب باشد، به معنای مالک و مدیر (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ۶۴/۲؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۹/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۱/۲) و تربیت و پرورش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶) است. در نتیجه تربیت اگر از ریشه ربو و مصدر تفعیل باشد، به معنای زیاد کردن، افزودن، نمودادن، پرورش دادن و فراهم آوردن موجبات رشد شیء است و اگر از ریشه رب باشد، به معنای نظارت، سرپرستی و رهبری کردن، پروراندن و به کمال رساندن شیء است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۹).

دانشمندان و پژوهشگران تعریف‌های بسیاری از تربیت ارائه کرده‌اند. مطهری تربیت را به معنای پرورش دادن گرفته است، یعنی به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادها و درونی و بالقوه یک شیء (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۵). در تعریف دیگر، تربیت یعنی پرورش در جهت رشد و کمال (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۴۳۷/۲). اما در تعریف کامل و جامع، تربیت فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادها و درونی انسان در جهت مطلوب و استفاده از روش‌های صحیح و مناسب است (الهامی نیا، بی تا: ۱۷-۱۸).

اخلاق جمع خُلق و در لغت دارای دو معنا است: ۱. نیرو و سرشت باطنی که برای انسان، تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک باشد و ۲. صفت نفسانی راسخ که انسان افعال متناسب با آن را بی درنگ انجام می‌دهد (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۷). نراقی معتقد است اخلاق قدرت و توانایی روح است که باعث شود انسان کارها را به آسانی و بدون فکر و تأمل انجام دهد؛ بنابراین اخلاق ملکه یا حالتی است که در نفس انس نی رسوخ می‌کند و باعث می‌شود که اعمال بدون فکر و تأمل از او سر بزنند (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۹۴). برای این اساس، تربیت اخلاقی چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت رفتارهای پسندیده اخلاقی به منظور رسیدن به کمالات اخلاقی و از بین بردن رذایل اخلاقی است.

۲-۲. سیره

کلمه سیره اسم مصدر از ماده سیر است که در زبان عربی بر نوع دلالت دارد و به معنای نوع و سبک رفتار است. در اصطلاح نیز استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری یا ترک عملی را می‌رساند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۹۴).

۲-۳. سبک تربیتی

منظور از سبک تربیتی امام سجاده (ع) روش‌ها است که امام (ع) با آنها و با تکیه بر مبانی اعتقادی و نظام ارزشی اسلام توانسته استعدادهای نهفته افراد جامعه را در تمام ابعاد پرورش دهد و شکوفا سازد و به سوی تثبیت فضایل اخلاقی و از بین بردن رذایل اخلاقی حرکت دهد.

۳. روش‌های شناختی امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی

منظور از روش‌های شناختی روش‌هایی است که امام (ع) برای ارائه آگاهی و اطلاعات لازم درباره مسائل اخلاقی به متریان به کار می‌بندد تا آنان با آگاهی و شناخت بیشتری رذایل اخلاقی را ترک و به فضایل اخلاقی گرایش پیدا کنند.

۳-۱. آموزش باورها و جهان‌بینی اسلامی

تربیت اخلاقی افراد زمانی در جامعه پایدار خواهد بود که بنیان‌های آن در روح و جان مخاطبان ریشه دوانده باشد؛ به همین دلیل امام علی بن حسین (ع)، همانند سایر پیشوایان معصوم، اهمیت بسیاری برای آموزش مبانی و جهان‌بینی اسلامی قائل بود و می‌کوشید که در فرصت‌های مقتضی باورها و جهان‌بینی اسلامی، به خصوص باور به توحید و یکتاپرستی، را به افراد جامعه آموزش دهد. برای این منظور امام (ع) در بسیاری از دعاها مسئله خداشناسی را آورده و با اشاره به موضوع‌هایی مانند توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او یکتاپرستی را تبیین کرده است. این مسئله در نزد امام (ع) به قدری مهم بود که به سؤالات مردم در مورد

توحید پاسخ می‌داد تا پرسشگر و مخاطب در مورد خدا شناختی درست و کافی داشته باشند.

چنانکه از امام سجاده (ع) در مورد توحید پرسیدند و امام (ع) در جواب فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِلْمٌ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

وَالآيَاتُ مِنَ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» فَمِنْ رَامٍ مَاوراءَ هِنَالِكِ هَلَكٌ (شیخ

صدوق، ۱۳۶۲: ۲۸۳، ۲۸۴)؛

به درستی که خداوند عزوجل می‌دانست که در آخرالزمان گروهی خواهند آمد که اهل دقت و عمق فکری و دانش هستند، از این رو سوره توحید و بعضی از آیات سوره حدید را نازل فرمود تا به شناخت بهتر خداوند دست یابند؛ پس هر کس بالاتر از آن قصد کند هلاک می‌شود.

همچنین در بسیاری از دعاهای صحیفه سجاده مسئله توحید و ذات و صفات خدای تعالی مطرح شده است؛ چنانکه در فرازی آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ

النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى

مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعاً (صحیفه سجاده، دعای اول، فراز ۱-۳)؛

سپاس خدایی را که اول است و پیش از او اولی نبوده و آخر است و پس از او آخری نباشد، خدایی که دیده‌های بینندگان از دیدنش ناتوان اند و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از عهده و صفش برنیایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش پدید آورد، بی‌اینکه از روی مثال و نمونه‌ای باشد.

در فراز دیگری از دعاهای صحیفه سجاده نیز در این مورد آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا

عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ (صحیفه سجاده،

دعای اول، فراز ۱۰)؛

سپاس خدایی را که خویشتن را (وجود، علم، قدرت و حکمتش را) به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام کرد و درهای علم به ربوبیت و پروردگاری اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در توحید و یگانگی اش راهنمایی فرمود.

مسئله معاد و مرگ یکی دیگر از بنیان‌های اخلاق و تربیت اخلاقی است که در دعاهای صحیفه امام سجاد (ع) (دعاهای ۱۱، ۴۰، ۵۲) بینشی صحیح از آن ترسیم شده است تا با این نوع بینش، دل آدمی صیقل بخورد و دیده اش به حقایق هستی گشوده شود و رنگ بی‌معنایی و بیهودگی را از چهره دنیا بزدايد. نمونه‌های فراوانی در سخنان و دعاهای آن حضرت در این مورد وجود دارد که در اینجا جهت اختصار فقط به یک مورد اکتفا می‌شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، ... وَ سَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَ أَمَّنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَ أَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا... (صحیفه سجادیه، دعای ۴۰)؛

ای خداوند، بر محمد و خاندان او درود بفرست و ما را از آرزوهای دور و دراز در امان دار... ای خداوند، ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم.

امام (ع) در این دعا ریشه و پایه فراموشی مرگ و غفلت از زندگی اخروی و معاد را آرزوهای طولانی می‌داند و از خدا می‌خواهد تا او را از آرزوی دراز باز دارد؛ زیرا آرزوی دراز آخرت را از یاد می‌برد و نتیجه آن گمراهی و بدبختی انسان است.

امام سجاد (ع) با توجه به خفقان عصر خود و محدودیت‌هایی که داشت، از شیوه‌های مختلف مثل نقل و اشاعه حدیث و استدلال به قرآن اصل امامت را برای بصیرت‌بخشی و آگاهی دادن تبیین و تشریح و بر ضرورت و اهمیت معرفت امام (ع) تأکید کرد. یکی از محدثان بزرگ اهل سنت، به نام ابراهیم جوینی شافعی، حدیثی را به سندی منتهی به حضرت زین العابدین (ع) روایت کرده است:

نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجُّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ

بِنَا يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يَنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيَخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۲۳، ۶)؛

ماییم حافظ اهل زمین، چنانکه ستارگان حافظ اهل آسمان اند. ماییم که به واسطه ما خدا آسمان را نگاه می‌دارد و به واسطه ما زمین را نگاه می‌دارد از اینکه بر اهلش مضطرب گردد و به واسطه ما باران را نازل می‌کند و نشر رحمت می‌نماید و برکت‌های زمین را بیرون می‌آورد و اگر آنچه در زمین است، از ما نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد.

امام سجاده (ع) در این حدیث پرمفهوم، جهان هستی را وابسته به وجود امام (ع) می‌داند. این مسئله اهمیت و ضرورت امامت را نشان می‌دهد.

۲-۳. پرورش آگاهی و آشنا کردن متربی با آموزه‌های اخلاقی

در سیره تربیتی امام سجاده (ع)، پرورش شناخت و آشنا کردن متربی با آموزه‌های اخلاقی مورد توجه بوده است؛ به همین سبب امام سجاده (ع)، همانند سایر پیشوایان معصوم، به آموزش معارف اخلاقی اهتمام ویژه‌ای داشت. امام سجاده (ع) با گریه و راز و نیازهای خود با خداوند متعال و عزاداری چندین ساله برای شهدای عاشورا و یادآوری صحنه‌های کربلا، به مؤمنان و مسلمانان نکاتی را همچون عشق حقیقی و فضایی چون رضا، توکل، شجاعت، صبر و وفاداری را آموزش داد. او همچنین با دعا و نیایش بسیاری از فضایل اخلاقی را به دیگران آموزش داد؛ چنانکه در دعای مکارم الاخلاق، فضایل اخلاقی را در ابعاد فردی و اجتماعی بیان کرده است. ایمان، انجام عمل صالح، داشتن اخلاص و یقین به خدا و جهان آخرت از جمله فضایل اخلاقی فردی هستند. قیام علیه ظلم و ستم، دستیابی به حق و حقیقت، انس و الفت با جامعه و مانند اینها نیز از فضایل اخلاق اجتماعی هستند که امام (ع) در دعای مکارم الاخلاق بر آنها تأکید کرده است.

۳-۳. بیان داستان های اخلاقی

تحقیقات تربیتی ثابت کرده اند که داستان های با محتوای اخلاقی نقش مهمی در رشد و ارتقای آگاهی و بصیرت اخلاقی دارند. امام سجاد (ع) برای تربیت اخلاقی متریان از این روش استفاده کرده است. امام (ع) در این روش مجموعه ای از سنت ها، حکمت ها و داستان های انبیا را برای مخاطبان نقل می فرمود تا با پیروی از راه، روش و رفتار ایشان، بهترین استفاده را ببرند. برای مثال امام (ع) آخرین سفارشی که حضرت خضر به حضرت موسی کرد (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۱۱۱/۱) یا یکی از گفت وگوهای پروردگار با پیامبرش موسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۴) را برای اصحابش نقل کرده است. علت معرفی پیامبران آن است که انبیا دلسوز امت و رابط میان خدا و بندگان بودند. امام سجاد (ع) همچنین به تبع قرآن کریم، داستان حضرت موسی را بیشتر بیان می کرد؛ زیرا بیشترین عبرت و پندآموزی را برای خوانندگان دارد.

۳-۴. مواجهه با فرقه های انحرافی جبر و مرجئه

از جریان های خطرناک در زمان امام سجاد (ع)، شیوع اعتقاد به جبر و ارجاء از طرف دستگاه حاکم بود. بنا به نقل مورخان، معاویه طلایه دار ترویج اعتقاد به جبر بود (طبری، ۱۳۳۴: ۲۴/۲)؛ از این رو وقتی عایشه از او پرسید: «چرا یزید را به جانشینی خویش برگزیدی؟». گفت: «خلافت یزید قضا و حکم الهی است و بندگان خدا حق دخالت در آن را ندارند» (دینوری، ۱۳۷۱: ۹۷/۱). آنان می خواستند از این راه فساد اخلاقی و ظلم و ستم حکومتشان را توجیه دینی و عقلی کنند. مسلم است که این رفتارها و جریان ها در انحطاط اخلاقی جامعه آن روز نقش فراوانی داشتند؛ زیرا مردم را به این باور می رساندند که این انحطاط رهاورد قضای الهی است و ما مجبوریم در این فضا زندگی کنیم.

امام (ع) با صراحت و قاطعیت، جبری گری را رد می کرد؛ از جمله وقتی عبیدالله به ایشان گفت: «مگر خدا علی بن حسین (عهما) را نکشت؟». حضرت در جواب فرمود: «برادری به نام علی داشتم

که مردم او را کشتند» (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۹۴). همچنین وقتی یزید کشته شدن امام حسین (ع) را مشیت و کار خدا معرفی کرد، حضرت فرمود: «پدرم را مردم کشتند (نه خدا)» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۱۱). به روایت زهری، مردی از امام (ع) سؤال کرد: «مصیبت‌ها تقدیر است یا پیامد اعمال؟». امام (ع) فرمود: «قَدَر و عمل به منزله روح و جسم هستند. آگاه باشید که ظالم‌ترین مردم کسی است که ظلم ظالم را عدل تلقی کند و عدل هدایت یافته را ظلم بداند» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۳۶۶). حضرت با این پاسخ‌ها اعتقاد به تقدیر محض و جبر را باطل دانستند.

امام (ع) با شبهه‌های فکری مرجئه که همه را به بی بند و باری فرامی خواندند و ایمان را صرف اقرار به زبان می دانستند، به طور جدی مبارزه کرد. تبلور این مبارزه در سیره عبادی آن حضرت (ع) بود. ایشان با روی آوری به عبادت و پرستش نشان داد که اطاعت از دستوره‌های الهی و پرستش حق فقط به اعتراف زبانی نیست، بلکه باید قلبی و رفتاری نیز باشد. امام (ع) با اخلاق و سیره عملی خود به همگان نشان داد که ایمان با عمل صالح در هم آمیخته است و بدون کردار نیک و پرهیز از حرام‌های الهی ایمانی نخواهد بود. حضرت همچنین بر لزوم عمل و پایبندی به فضایل اخلاقی و انسانی تأکید می‌رزید.

۴. روش‌های گرایشی و عاطفی امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی

مراد از روش‌های عاطفی روش ایبی است که مربی با کاربری آنها از احساسات و عواطف متربی جهت تربیت اخلاقی و رشد مطلوبشان استفاده می‌کند. امام سجاده (ع) با استفاده از روش‌هایی که در پی می‌آید، توانست در تربیت اخلاقی متربیان موفق شود.

۱-۴. محبت و مهرورزی

یکی از راه‌های درست و مؤثر در تربیت اخلاقی، اظهار محبت به مخاطب است. قرآن دلیل موفقیت پیامبر اکرم (ص) را محبت و اخلاق نیکوی ایشان می‌داند (آل عمران: ۱۵۹). پیشوایان

دینی توانستند با محبت و اخلاق نیک، بسیاری از مردم را هدایت کنند. امام سجاد (ع) نیز از این روش تربیتی مؤثر به صورت‌های گوناگون برای تربیت افراد جامعه بهره برد. برای نمونه، هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود، مسرف بن عقبه، را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه مشغول شدند، حضرت زین العابدین (ع) چهارصد نفر از بانوان بی‌پناه را پناه داد و در کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی کرد. وقتی لشکر مسرف بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: «به خدا قسم، در کنار پدر و مادرمان چنین زندگانی خوش و آرامش روحی و روانی نداشته‌ایم که در سایه محبت این مرد شریف (حضرت سجاد) در این مدت بحرانی چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم» (قمی، ۱۳۹۰: ۸۰/۲).

امام سجاد (ع) در فرازی از دعای مکارم الاخلاق نکات تربیتی زیبایی را از محبت بیان کرده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۲۹)؛ بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش... و برای وصول به آستان محبت خود راهی همواره پیش پای من گشای و در آن راه خیر دنیا و آخرت را به تمامی ارزانی ام دار...». امام سجاد (ع) در این فرازی یکی از راه‌های رسیدن به کمال الهی و نهایت ایمان را محبت می‌داند. او در این فراز از واژه محبت استفاده کرده و فرموده است: «راهی همواره برای جلب رضایت و خشنودی تو برایم قرار ده». نکته تربیتی آن این است که «والدین، مربیان و مدیران جامعه در درجه اول و در جریان تربیت فرزندان، معلمان و مردم نرمش و ملاحظت را پیشه کنند و متوجه باشند که روش‌های قهرآمیز و تنبیه آخرین حربه تربیتی است» (لیاقت‌دار، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

۲-۴. رعایت مقتضیات حال

در عصر امام سجاد (ع) اختناق شدید جامعه و خطر فشارهای سیاسی زندگی حضرت (ع) را تحت الشعاع قرار داده بود و یکی از راه‌های حفظ آثار و برکات خون سید الشهدا (ع) و زنده ماندن

خط مشی اسلام و بیان مطالب تربیتی رعایت مقتضای حال بود. امام(ع) در موارد متعددی با رعایت مقتضای حال، تبلیغ و تربیت افراد جامعه را به انجام رساند. نمونه بارز این روش در پیش گرفتن تقيه در دوره خفقان و استبداد بود. امام(ع) با این شیوه توانست بحران‌ها را کنترل کند و کار تبلیغ دین، تربیت افراد و وظیفه سنگین رساندن پیام نهضت عاشورا را پیش ببرد. روزی نزد امام سجاد(ع) از تقيه سخن به میان آمد و ایشان فرمود:

وَاللَّهِ، لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ وَلَقَدْ آخَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَهُمَا فَمَا ظَنُّكُمْ بِسَائِرِ الْخَلْقِ؟ إِنَّ عِلْمَ الْعُلَمَاءِ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، أَوْ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۲/۲)؛

به خدا قسم، اگر ابوذر می دانست چه در قلب سلمان است، او را می کشت، با اینکه پیامبر بین آن دو برادری ایجاد کرده بود، پس نسبت به دیگر مردم چه گمان دارید؟ بدانید حقیقت دانش دانشمندان سخت و سنگین است و جز نبی مرسل یا فرشتگان مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را به ایمان آزموده کسی دیگر آن را تحمل نمی کند.

نمونه دیگر این رفتار امام(ع)، رویارویی ایشان با واقعه حرّه بود. واقعه حرّه همان شورش اهل مدینه بر ضد حاکم وقت مدینه بود که بعد از جریان عاشورا اتفاق افتاد. امام(ع) با توجه به موقعیت و وضعیت، در برابر این شورش با اهل مدینه هیچ گونه همکاری نکرد و واکنشی نشان نداد. امام سجاد(ع) که نتیجه و عاقبت این کار را می دید با زبان دعا به تبلیغ دین مشغول شد؛ چون با توجه به خفقان سیاسی مأمور به افشاگری نبود، بلکه با دعا می توانست حقایق را بیان و دیگران را آگاه کند.

۳-۴. تکریم شخصیت

امام سجاد(ع) در تمام فعالیت های تربیتی خود شخصیت متربی را گرامی می داشت و از هر گونه رفتار و گفتار توهین آمیز که موجب بی احترامی و کوچک شمردن شخصیت وی شود، اجتناب می ورزید تا بتواند توجه متربی را جلب و رفتار او را اصلاح کند. اربلی می نویسد:

روزی امام سجاد(ع) از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت دشمنی دیرینه داشت، روبه‌رو شد. مرد همین که چشمش به امام افتاد، جسارت کرد و ناسزا گفت. یاران و غلامان امام(ع) خواستند آن مرد را تأدیب کنند، اما امام(ع) فرمود: «با او کاری نداشته باشید». آن گاه به او نزدیک شد و گفت: «آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی»، پس با مهربانی و عطف تمام فرمود: «آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری کنیم؟». مرد با مشاهده این رفتار انسانی از کرده خود شرمسار شد، اما امام(ع) او را نوازش کرد و عباي ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید. بعد از این ماجرا آن مرد شدیداً به امام(ع) علاقه مند شد و در هر کجا می‌رسید فضایل و مناقب آن حضرت را بیان می‌کرد و خطاب به حضرت می‌گفت: «به راستی تو از فرزندان رسول خدا هستی» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۰۱/۲ و ۱۰۲).

۴-۴. مو ظه و اندرز

وعظ در لغت به معنای بازداشتن و منع کردن مقرون به بیم دادن (از عواقب کار) است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۸، ماده وعظ) و در اصطلاح عبارت است از سفارش به تقوا و ترغیب به طاعت‌ها و پرهیز از گناهان و برحذر داشتن از اینکه کسی فریب دنیا را بخورد و دل به زر و زیور آن ببندد (طریحی، ۱۳۶۳: ۲۹/۸).

امام سجاد(ع) در تربیت اخلاقی متریان از موعظه و اندرز بسیار بهره برده است. از منظر امام(ع)، هر کس به آنچه خداوند بر او واجب ساخته، عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه خداوند بر او حرام کرده، دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده، قانع باشد از بی‌نیازترین مردمان است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۲/۶۶). در این روش موانع نیز بیان شده است؛ چنانکه فرمود: «تمام خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه در دستان مردمان است جمع شده است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۸۲/۳).

۴-۵. تشویق و تنبیه

یکی از شیوه‌های مؤثر در روش روانی تربیتی، تشویق و تنبیه است. از این شیوه برای برانگیختن و بازدارندگی و شکوفاسازی استعدادهای انسان در جهت کمال بهره می‌گیرند. امام سجاد(ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه از روش تشویق و تنبیه استفاده می‌کرد و در تشویق افراد به انجام کارهای خوب و شایسته بسیار می‌کوشید. آن حضرت درباره حق فرزند بر پدر و مادر می‌فرماید: «درباره کودکت رفتار کسی را داشته باش که می‌داند به دلیل تربیت نیکوی فرزندش پاداش می‌گیرد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۲۲/۲). امام(ع) در این فراز والدین و مربیان را به پرورش نیک فرزندان و متریبان تشویق می‌کند. مورد دیگر آنکه وقتی حضرت جوانان جویای دانش را می‌دید، آنان را نزد خود فرا می‌خواند و می‌فرمود: «شما ذخیره‌های دانش اکنون کودکان طایفه و قوم خود هستید، ولی به زودی از بزرگان و دست‌اندرکاران قبیله خواهید شد» (شامی، ۱۴۲۰: ۵۸۷).

از منظر امام(ع) تنبیه و تنبّه یک ضرورت است (صحیفه سجاده، دعای ۲۰، فراز ۲۹)؛ زیرا در اسلام یکی از ضروریات تربیتی، تنبّه دادن به متربی در مواقع غفلت و خطا و لغزش است. امام(ع) در سیره تربیتی خود از این روش استفاده می‌کرد؛ چنانکه امام باقر(ع) فرموده است: پدرم پدر و پسری را در رهگذر دید که با هم راه می‌رفتند، ولی پسر بی‌ادب و از خود راضی هنگام راه رفتن به بازوی پدر تکیه کرده بود. پدرم از این کار ناپسند پسر چنان خشمگین شد که تا پایان زندگی با آن پسر سخن نگفت (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۷/۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۱/۲۰۵).

۴-۶. الگو دهی

الگو به معنای سرمشق، مقتدا و اسوه است (عمید، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در اصطلاح نیز مدلی بیرونی است که بر اساس تربیت‌پذیری و الگوگیری بر رفتار فرد (متربی) تأثیر می‌گذارد و او را جذب می‌کند (ملکوتی فر، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

امام سجاد (ع)، همانند سایر پیشوایان معصوم، نمونه بارز اسوه حسنه بود. خصوصیات اخلاقی و زهد و تقوای آن حضرت به گونه ای بود که حتی دشمنان خویش را نیز شیفته و مجذوب کرده بود. با مردم در نهایت ادب تواضع و مهربانی رفتار می کرد. محمد بن طلحه شافعی می نویسد: «او زینت عبادت کنندگان، پیشوای زاهدان، سرور پرهیزکاران و امام مؤمنان است. سیره اش گواه آن است که وی فرزند صالح رسول خدا (ص) و سیمایش بیانگر مقام قرب او نزد پروردگار است» (عی، ۱۴۱۹: ۷۷).

یکی از شیوه های نیک تربیتی امام سجاد (ع) دعوت به رعایت تقوا، سبک رفتاری و عملی بود. آمده که مردی به سعید بن مسیب گفت: «با ورع ترا از فلانی ندیدم». سعید بن مسیب به آن مرد گفت: «علی بن حسین (ع) را دیدی؟». گفت: «نه». سعید گفت: «اگر دیده بودی، می گفتمی باورع تر از او ندیدم» (اربلی، ۱۳۸۱: ۸۰/۲).

نیایش امام (ع) در پیشگاه خدا به حدی بود که سرور و زینت بخش عبادت کنندگان (سید العابدین و زین العابدین) و بسیار سجده کننده (سجّاد) لقب یافت. وی در پیشگاه حق به قدری پیش نی بر خاک می سایید که همه مواضع سجده اش پینه بسته بود. او هر سال دو بار و هر بار پنج عدد از پینه ها را می برید؛ از این رو به آن حضرت ذُو الثَّفَنَات (یعنی صاحب پینه ها) می گفتند (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۳۳/۱). امام سجاد (ع) هنگامی که وضو می گرفت رنگ از چهره مبارکش می پرید. از علت آن سؤال شد. فرمود: «آیا می دانید می خواهم در برابر کسی بایستم؟» (همان: ۲۳۲).

۵. روش های رفتاری

روش های رفتاری روش هایی هستند که مستقیماً با رفتار متربی سر و کار دارند و مربی می خواهد با استفاده از آنها ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را ایجاد و تثبیت کند. امام سجاد (ع) با استفاده از روش هایی که در پی می آید توانست کار تربیت اخلاقی متربیان را پیش ببرد.

۱-۵. تزکیه نفس

در قرآن و اسلام، یکی از روش‌های رفتاری مؤثر تزکیه و اصلاح نفس است. چون هدف از آن پاکسازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی است تا انسان‌ها در جهت رسیدن به کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت گام بردارند. خداوند در سوره شمس، پس از یازده مرتبه قسم، تزکیه نفس را تنها عامل رستگاری و وصول به سعادت فردی معرفی می‌کند و فساد اخلاقی را منشأ بدبختی و مایه زیان می‌شناسد (شمس: ۹-۱۰). خداوند با رحمتش انبیا را مبعوث فرمود تا مردم را از اعمال بد و عواقب سوء آنها آگاه کنند. روایات اسلامی آلودگی نفس را مانعی در راه رسیدن انسان به کمال الهی می‌شمارند. امام سجاد(ع) فرمود:

حضرت موسی از خداوند پرسید: «آنان که در قیامت، در سایه عرش تو به سر می‌برند چه کسانی‌اند؟». خداوند فرمود: «پاکدلان در سایه عرش من به سر می‌برند، آنان که غیر حق را نمی‌نگرند و نمی‌خواهند و از هیچ اطاعتی دریغ نمی‌ورزند» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۶/۱).

امام(ع) در سبک و سیره عملی تهذیب نفس، نفس اماره را مانعی بزرگ می‌داند و از آن به خدا شکایت می‌کند: «خدایا به تو شکایت می‌کنم از نفس زشتی که مرا بسیار به بدی‌ها وامی‌دارد و به هر خطا سبقت می‌گیرد و به معصیت بسیار حریص است و مرا به معرض خشم و غضب می‌افکند...» (قمی، ۱۳۸۵: ۲۴۸). امام در این مناجات به این نکته حساس اشاره می‌فرماید که نفس اماره به تنهایی نمی‌تواند انسان را به منجلاب بکشاند، بلکه غفلت و فراموشی عامل بسیار مهمی است که به نفس اماره کمک می‌کند: «بالغفلة و السهو تسرع بی الی الحوبة» (قمی، ۱۳۸۵: ۲۴۸). بنابراین ذکر و یاد خداوند می‌تواند در تهذیب و اصلاح نفس به انسان کمک کند.

امام(ع) مناجاتی به نام مناجات الشاکین دارد (قمی، ۱۳۸۵: ۲۴۸) که مناجات شکایت‌کنندگان نزد خداوند است. شکایت‌های امام سجاد(ع) در این مناجات مربوط به امور دنیوی، مادی و ظلم‌هایی که متوجه ایشان شده نیست، بلکه معطوف به مشکلاتی است که در راه انجام وظایف،

طریق تعبد و بندگی خدا و رسیدن به کمال انسانی وجود دارد. محور این شکایت‌ها سه چیز است: نفس، شیطان و قلب سخت و سیاه (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳/۱).

۲-۵. مناجات و دعا

وقتی جامعه دچار انحراف شده بود، روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه یافته و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده بود و از نظر سیاسی هیچ‌روزنه‌ای برای تنفس وجود نداشت، امام سجاد (ع) توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. مردم می‌توانستند از لابه‌لای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام (ع) آشنا شوند. حضرت به طور مکرر در ادعیه خود از «صلوات بر محمد و آل محمد» استفاده کرده که اساساً یکی از علائم دعا‌های درست همین است. این کار ایشان در زمانی است که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان تقبیح می‌شد و کار امویان جز دشنام دادن به علی (ع) نبود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۴/۱). صحیفه سجادیه مشهور، که تنها بخشی از دعا‌های امام (ع) است، نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷: ۱۹۲/۱).

امام سجاد (ع) در ادعیه و مناجات‌های خویش بسیاری از مباحث مانند تزکیه و اصلاح نفس را مطرح کرده است. این راز و نیازها و عبادت‌ها بزرگ‌ترین درس بندگی و عبادت برای همه است.

۳-۵. رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی از روش‌های رفتاری تربیتی است که می‌تواند در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران تأثیر شگرف و بسزایی داشته باشد. این روش در روایات، سنتی حسنه از پیامبر (ص) (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۱۳/۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۲) و نیمی از ایمان (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱۷/۲؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴۰۴)

۴۲) شمرده می شود. امام سجاده (ع) در روش تربیتی خویش برای پرورش و تربیت، از شیوه رفق و مدارا فراوان استفاده کرده است. حلم و صبر از ابزارهای مهم رفق و مدارا است. امام (ع) با این شیوه بسیاری از جاهلان و مخالفان را هدایت کرد؛ برای نمونه چنین نقل شده است:

یکی از بستگان امام (ع) خدمت ایشان آمد و شروع به ناسزا گفتن به آن حضرت کرد. امام (ع) در پاسخ او فرمود: «اگر راست گفتی از خدا طلب آمرزش می کنم و در صورتی که دروغ گفته باشی خدا تو را بیامرزد». آن مرد پیشانی امام را بوسید و گفت: «نه، آنچه گفتم در تو نیست، من به آن نسبت ها شایسته تر هستم» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۵/۲-۱۴۶).

نمونه دیگر، رفق و مدارای آن حضرت با حکام ظالم است. ایشان برای پیشبرد اهداف سیاسی، تبلیغی و تربیتی خویش با حکومت مماشات و مدارا می کرد. ثمره رفق و مدارا با حکومت این شد که حضرت (ع) توانست مدت زیادی امامت کند که در این مدت شاگردان بسیاری را تحویل جامعه شیعی داد و با ادعیه و مناجات برنامه های دینی و تربیتی خود را اجرا کرد.

۴-۵. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و یکی از روش های تربیتی است که در قرآن و روایات نیز مطرح شده است. در برخی از آیات، دلیل برتری امت اسلامی ایمان به خدا و انجام این دو فریضه ذکر شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند، (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید».

امام سجاده (ع) فقط دیگران را امر به معروف و نهی از منکر نمی کرد، بلکه در تربیت فرزندان خود می کوشید تا آنان اهل خیر و خوبی باشند و به آنان سفارش می کرد که موعظه و پند دیگران را بپذیرند و این بزرگ ترین امر به معروف ها است. در روایتی وارد شده که به فرزندش فرمود:

أَفْعَلِ الْخَيْرِ إِلَىٰ كُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْكَ فَإِنْ كَانَ أَهْلُهُ فَقَدْ أَصَبْتَ مَوْضِعَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِأَهْلِ كُنْتَ
أَنْتَ أَهْلُهُ وَإِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَىٰ يَسَارِكَ وَاعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ عُذْرَهُ
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۷۵)؛

هر که از تو خیر خواست برای او عمل کن. اگر اهل آن بود بجا عمل کردی و اگر هم اهل آن نبود
تو خود اهل آنی. اگر مردی از طرف راست تو به تو دشنام داد، سپس به سوی چپ تو گردید و از
تو عذر خواست، عذرش را بپذیر.»

۵-۵. ایجاد فضای مساعد تربیتی

برای تربیت همه نبه محیط مساعد تربیتی لازم است. اگر جامعه اصلاح نشود، تلاش مریبان
به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. جامعه فاسد افراد را به فساد می‌کشاند. یک نسل مطهر نیازمند یک
فضای سالم است تا بتواند در آن رشد کند.

امام سجاده (ع) در سبک تربیتی خود تلاش کرد با رفتار و گفتار خود چنین فضایی را در جامعه
برای نشر فرهنگ اسلام و گسترش فضایل اخلاقی به وجود آورد. یکی از شیوه‌های رفتاری امام
سجاده (ع) گریه و عزاداری بود. امام (ع) یکی از باکین است (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۷۲/۱) و خود
را با صفت «تاج البکّائین» معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۸/۴۵). امام (ع) توانست با
گریه‌های طولانی و جانسوز برای تداوم بخشیدن به انقلاب و زنده نگه داشتن انقلاب حسینی
فضایی مساعد برای تربیت در جامعه ایجاد کند.

۵-۶. تشکیل حوزه علمی

امام سجاده (ع) برای سر و سامان دادن به گسستگی فرهنگی جامعه و رساندن پیام اسلام
اصیل که از طریق پدرش امام حسین (ع) و جدش امیرالمؤمنین علی (ع) و پیامبر خدا (ص)
به ایشان رسیده بود، به تشکیل حوزه درسی عظیمی روی آورد تا عالمانی فرهیخته تربیت کند.

چنین بود که شماری از تابعان از خرمن علوم وی خوشه های دانش و معرفت چیدند و برخی همچون طاووس یمانی و ثابت بن دینار، معروف به ابو حمزه ثمالی، نیز به مدارج عالی اخلاق و عرفان دست یافتند. برخی مورخان شاگردان ایشان را بیش از ۲۷۰ تن برشمرده اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۹۹، ۱۲۰).

نتیجه

۱. تربیت اخلاقی عبارت است از چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت رفتارهای پسندیده اخلاقی به منظور رسیدن به کمالات اخلاقی و دوری و از بین بردن رذایل اخلاقی.

۲. امام سجاده (ع) در تربیت اخلاقی افراد و متریان از روش های شناختی، عاطفی و رفتاری استفاده کرده است.

۳. منظور از روش های شناختی، روش هایی است که امام (ع) برای ارائه آگاهی لازم به متریان برای انجام فضایل و ترک رذایل به کار می بندد تا آنان با شناخت بیشتری به فضایل گرایش یابند و رذایل را ترک کنند. روش های مهم شناختی عبارت اند از: تبیین جهان بینی و بنیان ارزش های اخلاقی، پرورش آگاهی و آشنا کردن متربی با آموزه های اخلاقی، بیان داستان های اخلاقی.

۴. مراد از روش های عاطفی، روش هایی است که امام (ع) با کاربر بست آنها از احساسات و عواطف متریان جهت تربیت اخلاقی و رشد مطلوبشان استفاده می کند؛ از جمله محبت و مهرورزی، تکریم شخصیت، مخاطب شناسی، تشویق، موعظه.

۵. منظور از روش های رفتاری، روش هایی هستند که امام (ع) می خواهد ضمن تغییر اصلاح و رفتارهای نامناسب، رفتارهای مطلوب را در متربی ایجاد و تثبیت کند. روش های مهم رفتاری عبارت اند از: ارائه الگو، امر به معروف و نهی از منکر، خطابه، مراقبت و نظارت و پرهیز از معاشرت با صاحبان رذایل.

کتاب نامه

قرآن کریم

- صحیفه سجادیه (۱۳۷۶ش)، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ اول.
- ابراهیمی فر، علی اصغر (۱۳۸۵ش)، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، قم: مرکز پژوهش های صدا و سیما، چاپ اول.
- ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم (۱۹۶۷ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الاحیاء الکتب العربیه، چاپ دوم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق/تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ابن طاووس (۱۴۱۷ق)، اللهوف فی قتلی الطفوف، قم: انوار الهدی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق/تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفة الائمة، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول.
- الهامی نیا، علی اصغر (بی تا)، تعلیم و تربیت در اسلام، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- برقی، احمد بن محمد بن الد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- بلذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، الانساب، تحقیق زکاوری، بیروت: الفکر.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۹ش)، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ یازدهم.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، چاپ اول.

دینوری، ابن قتیبه (۱۳۷۱ش)، الامامة والسياسة، تحقيق على شيرى، قم: منشورات شريف رضى، چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت - دمشق، چاپ اول.
شافعی، کمال الدين محمد بن طلحه (۱۴۱۹ق)، مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، بيروت: مؤسسه دار البلاغ.

شامی، يوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، الدر النظيم في مناقب الائمة الالهاميم، قم: جامعه مدرسين، چاپ اول.
شيخ صدوق، محمد بن على (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، قم: کتابفروشى داوری، چاپ اول.
شيخ صدوق، محمد بن على (۱۴۱۳ق)، من لايحضره الفقيه؛ تحقيق/تصحیح على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم.

شيخ صدوق، محمد بن على (۱۳۶۲)، توحيد، تصحيح سيد هاشم حسيني تهراني، قم: دفتر انتشارات اسلامى.

شيخ طوسى، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، رجال الطوسى، تصحيح جواد قيومى اصفهانى، قم: انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.

شيخ مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، چاپ اول.
طبرسى، احمد بن على (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق/تصحیح محمد باقر خرسان، مشهد: نشر مرتضى، چاپ اول.

طبرى، عمادالدين حسن بن على (۱۳۳۴)، كامل بهائى، قم: مؤسسه طبع و نشر.
طريحي، فخرالدين بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تحقيق/تصحیح احمد حسين اشكورى، تهران: مرتضوى، چاپ سوم.

عميد، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ عميد، تهران: اميرکبير.

فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۰۹ق)، كتاب العين، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.

قى، شيخ عباس (۱۳۸۵ش)، مفاتيح الجنان، ترجمه الهى قمشه اى، قم: انتشارات سرور، چاپ پنجم.

قى، شيخ عباس (۱۳۹۰)، منتهى الآمال، ويراسته كاظم عابدين مطلق، تهران: مابين اندیشه.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- لیاقت دار، محمد جواد (۱۳۸۶ش)، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع)، تهران: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ش)، فرهنگ نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۲)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰ش)، سجاده های سلوک، شرح مناجات های حضرت سجاد (ع)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، چاپ ۲۴.
- ملکوتی فر، ولی الله (۱۳۸۸)، تربیت در نهج البلاغه، سبزوار: امید مهر.

References

- The noble Quran.
- Amid, Hassan. 1390 Sh. *Farhang Amid*. Tehran: Amir Kabir.
- Balādhurī, Aḥmad b. Yaḥyā al-. 1417 AH. *Al-Ansāb*. Edited by Suhayl Zakar. Beirut: Dar al-Fikr.
- Barqī, Aḥmad b. Muḥammad b. Khālīd al-. 1371 AH. *Al-Maḥāsīn*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Center for Islamic Information and Documents. 1389 Sh. *Farhangnāmi uṣūl fiqh*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
- Dīnawarī, Ibn Qutayba al-. 1371 Sh. *Al-Imāma wa-l-siyāsa*. Edited by Ali Shiri. Qom: Sharīf Raḍī Publications.

- Ebrahimifar, Ali Asghar. 1385 Sh. *Barrasī nizām tarbiyatī Şahīfa Sajjādiyya*. Qom: IRIB Research Center.
- Elhaminia, Ali Asghar. n.d. *Ta'lim wa tarbiyat dar Islam*. N.p.: Office for Doctrinal-Political Education of the Representative of the Guardian Jurist in IRGC.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1409 AH. *Kitāb al-'ayn*. Qom: Hejrat Publications.
- Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmoud (Ed.). 1426 Sh. *Farhang fiqh muṭābiq madhhab Ahl Bayt*. Qom: Institute for Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to Ahl al-Bayt's School.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1403 AH. *Tafṣīl wasā'il al-Shī'a ilā taḥṣīl masā'il al-sharī'a*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ḥusaynī al-Zubaydī, Muḥammad Murtaḍā al-. 1414 AH. *Tāj al-'arūs min jawāhir al-qāmūs*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Abī l-Ḥadīd, Muḥammad Abū l-Faḍl Ibrāhīm. 1967. *Sharḥ nahj al-balāgha*. Beirut: Dar Ihyā al-Kutub al-'Arabiyya.
- Ibn al-Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-'Arab*. Edited by Jamal al-Din Mirdamadi. Beirut: Dar al-Fikr li-l-Taba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi' and Dar Sadir.
- Ibn Shu'ba al-Ḥarrānī, al-Ḥasan b. 'Alī. 1404 AH. *Tuḥaf al-'uqūl 'an Āl al-Rasūl*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Ṭāwūs, 'Alī b. Mūsā. 1417 AH. *Al-Luhūf fi qatlā l-tufūf*. Qom: Anwar al-Huda.
- Imam al-Sajjād. 1376 Sh. *Al-Şahīfat al-Sajjādiyya*. Qom: Al-Hadi Publications.
- Irbilī, 'Alī b. 'Īsā al-. 1381 AH. *Kashf al-ghimma fi ma'rifat al-āimma*. Tabriz: Bani-Hashemi.
- Kuaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1429 AH. *Al-Kāfi*. Qom: Dar al-Hadith.
- Liaghatdar, Mohammad Javad. 1386 Sh. *Ta'lim wa tarbiyat az dīdgāh Imam Sajjād*. Tehran: Daftar Nashr Ma'arif.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Biḥār al-anwār al-jāmi'a li-durar akhbār al-āimmat al-aṭhār*. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-'Arabi.
- Malakoutifar, Valiyollah. 1388 Sh. *Tarbiyat dar Nahj al-balāgha*. Sabzevar: Omid Mehr.
- Mas'ūdī, Abū l-Ḥasan 'Alī b. al-Ḥusayn al-. 1382 Sh. *Murūj al-dhahab*. Translated into Persian by Abolghasem Payandeh. Tehran: Elmi Farhangi Publishing Company.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1390 Sh. *Sajjādi-hāyi sulūk: sharḥ munājāt-hāyi ḥaḍrat Sajjād*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Motahari, Morteza. 1373 Sh. *Ta'lim wa tarbiyat dar Islām*. Tehran: Sadra.

- Pishvae, Mahdi. 1379 Sh. *Sīri pīshwāyān*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Qummī, Shaykh ‘Abbās al-. 1385 Sh. *Maḡātib al-jinān*. Translated into Persian by Mahdi Elahi Ghomshei. Qom: Sarvar Publications.
- Qummī, Shaykh ‘Abbās al-. 1390 Sh. *Muntahā l-āmāl*. Edited by Kazem Abedin Motlagh. Tehran: Mobin Andisheh.
- Rāghib al-Iṣṡahānī, al-Ḥusayn b. Muḡammad al-. 1412 AH. *Mufradāt alfāz al-Qur‘ān*. Beirut and Damascus: Dar al-Shamiyya.
- Shāfi‘ī, Kamāl al-Dīn Muḡammad b. Ṭalḡa al-. 1419 AH. *Maḡālib al-su‘ūl fī manāqib Āl al-Rasūl*. Beirut: Dar al-Balagh Institute.
- Shāmī, Yūsuf b. Ḥātām al-. 1420 AH. *Al-Durr al-naẓīm fī manāqib al-āimmat al-lahāmīm*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Shaykh al-Mufīd, Muḡammad b. Muḡammad al-. 1413 AH. *Al-Irshād fī ma‘rifā ḡujaj Allāh ‘alā l-‘ibād*. Qom: Shaykh Mufid Congress.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḡammad b. ‘Alī al-. 1362 Sh. *Al-Tawḡīd*. Edited by Seyyed Hashem Hosseini Tehrani. Qom: Islamic Publishing Office.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḡammad b. ‘Alī al-. 1385 Sh. *‘Ilal al-sharā‘i‘*. Qom: Davari Bookstore.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḡammad b. ‘Alī al-. 1413 AH. *Man lā-yaḡḡuruh al-faqīh*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islamic Publishing Office.
- Shaykh al-Ṭūsī, Muḡammad b. al-Ḥasan al-. 1373 Sh. *Rijāl al-Ṭūsī*. Edited by Javad Ghayoumi Esfehani. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ṭabarī, ‘Imād al-Dīn al-Ḥasan b. ‘Alī al-. 1334 Sh. *Kāmil Bahā‘ī*. Qom: Printing and Publishing Institute.
- Ṭabarsī, Aḡmad b. ‘Alī al-. 1403 AH. *Al-Iḡtijāj ‘alā ahl al-lijāj*. Edited by Mohammad Bagher Khorsan. Mashhad: Morteza Publications.
- Ṭurayḡī, Fakhr al-Dīn b. Muḡammad al-. 1375 Sh. *Majma‘ al-baḡrayn*. Edited by Ahmad Hossein Eshkavari. Tehran: Mortazavi.